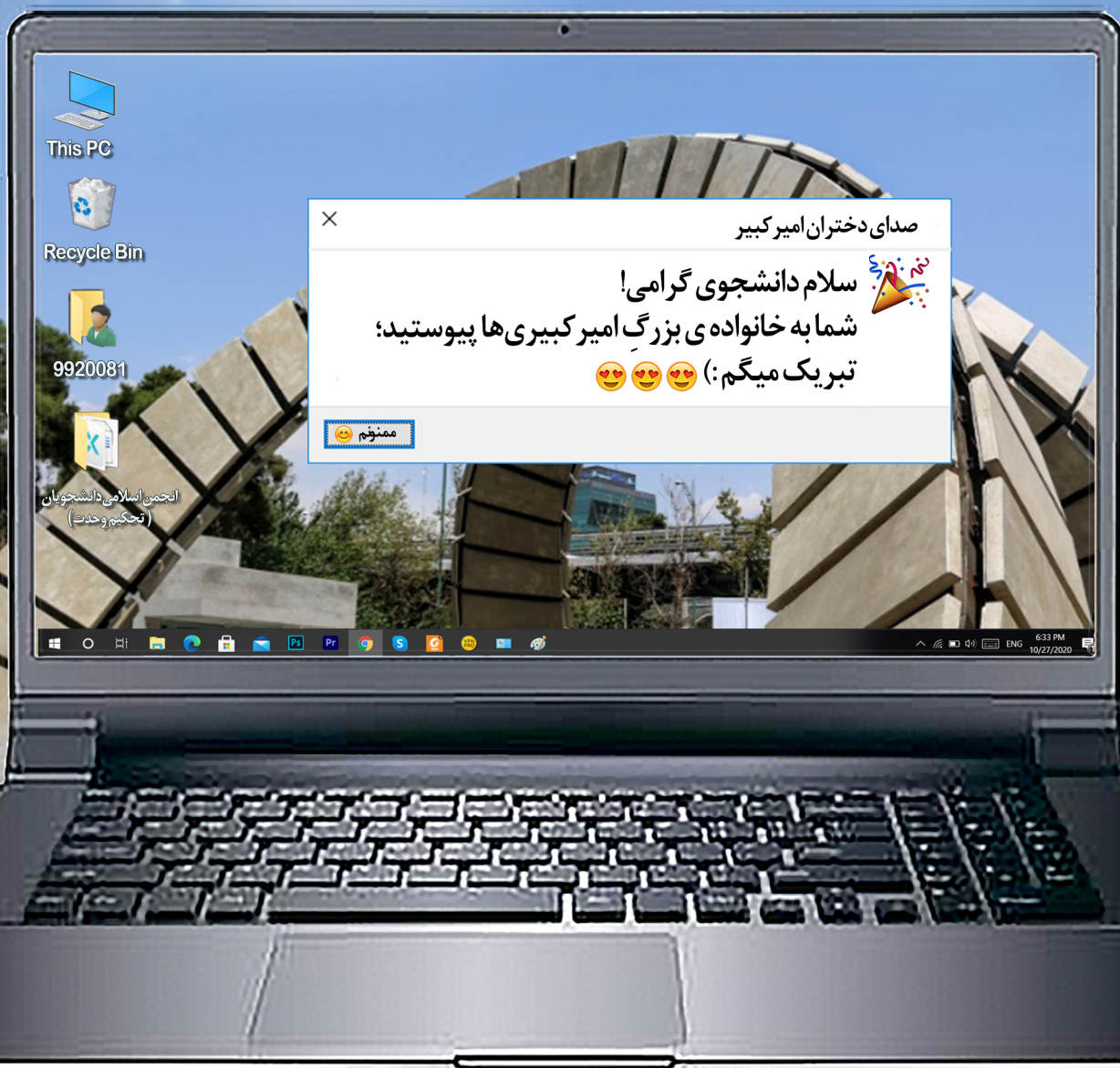


امیر کبیر سلام!

ویژه ورودی های ۹۹

گاهنامه‌ی صدااا شماره‌ی بیست و ششم _ آبان ۹۹
نشریه‌ی رسمی دختران انجمن اسلامی دانشجویان (عضو دفتر تحکیم وحدت تاسیس ۱۳۴۲)



در این شماره از صدااا می‌خوانید:

اندر احوالات کلاس مجازی
_ آشنایی با سامانه های مجازی
دانشگاه

هر امیر کبیری باید بدونه
_ آشنایی با اصطلاحات رایج و
غیر رایج دانشگاه امیر کبیر

تو یک قهرمانی
_ آنچه در سال گذشته بر سر
یک ورودی ۹۹ آمده

راز ناگفته دانشکده ها
_ نکات جذاب دانشکده
خودتو بدون

فهرست

- ۱ سخن سردبیر
- ۲ آمده ایم که فکر راهی کنیم
- ۳ راز ناگفته دانشکده ها
- ۵ زندگی به وسعت یک خوابگاه
- ۶ تو یک قهرمانی.....
- ۷ مصاحبه
- ۹ توئیترا صدایا.....
- ۱۰ انتگرال و دردسرها
- ۱۱ هر امیرکبیری باید بدونه.....
- ۱۲ اندر احوالات کلاس مجازی.....

بسم الله الرحمن الرحيم

صاحب امتیاز: انجمن اسلامی دانشجویان (عضو دفتر تحکیم وحدت - تاسیس ۱۳۴۲)

مدیر مسئول: مریم مهربان

سردبیر: فرناز اینانلو

همکاران این شماره:

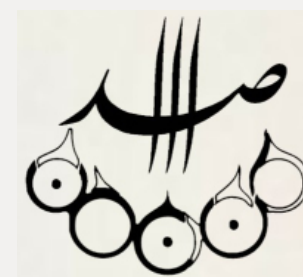
فرناز اینانلو | فاطمه سادات هوشمند میرحسینی | مریم عطری | زینب مهدوی |

مطهره شکرالهی | زینب مبصر | فاطمه سادات مرتضوی | سیده ریحانه شرافتی |

عاطفه جلیلی

طراح جلد: مریم عطری

صفحه آرا: فرناز اینانلو



شماره بیست و ششم | آبان ۹۹

همراهان همیشگی صدایا اگر قلم خوبی دارید مطالبتون رو برامون به آدرس sedaaa_AUT در

پیام رسان تلگرام یا اینستاگرام بفرستید.

آمده ایم که فکر راهی کنیم

نگاهی به هویت و وظیفه ی دانشجوی فعال و حق خواه

___ فاطمه سادات هوشمند میر حسینی / کارشناسی مهندسی هوافضا ___

تا به خودت می آیی، چند سالی از ورود به دانشگاه را گذرانده ای؛ بی اغراق یکی از بهترین فرصت های جوانی، اوج شور و توان و ... کمی که بگذرد متوجه میشوی دنیا فراتر از چند فرمول و محاسبه ی ریاضی است؛ تو باید میان آشفته بازار زندگی خودِ خودت را پیدا کنی؛ تا زندگی را تجزیه و تحلیل کنی، اطرافت را بشناسی و مسائل را حل کنی نه بر صفحه ی کاغذ! بلکه بر صفحه ی روزگار.

به هویت و خود واقعی که برگردی؛ همان انسان حق خواه، دیگر از دور به تماشا نمی نشینی، حرکت می کنی، تلاش می کنی تا گره ای باز کنی؛ برای زندگی بهتر و رسیدن خودت و جامعه به عدالت. جلوتر که بروی با واقعیتی روبه رو می شوی نه چندان ساده؛ که آن هم نیاز به داشتن همراه و دور هم جمع شدن است در این راه پر پیچ و خم.

ساده بگویم خاطرات بدی از تماشای از دور و جمع نشدن! داریم؛ یکبار بردن حسین علیه السلام به قتلگاه را به خاطر می آوریم و بار دیگر تنها ماندن علی علیه السلام در کوفه را...

بی شک حقی بالاتر از ایشان نبود ولی انسان است دیگر؛ پایش می لغزد، تاریخ را فراموش می کند، و در نهایت خود واقعی و ماموریتش را گم می کند.

البته فریاد و ادعای خیر خواهی و حق خواهی خیلی ها گوش فلک را کر می کند، ولی نوای حق فقط در همین فریادشان است و در عمل اثری از آثارش نیست؛ چون در انتخاب مسیر اشتباه کرده یا به تنهایی! از دور و با عافیت طلبی به تماشا نشسته اند و خواهان حق شدند!

اما وقتی وارد جمعی با هدف اولیه مشترک شوی تازه نگاهت به همه چیز تغییر می کند، انگار دنیا را بزرگتر از قاب محدود چشم می بینی، اینجا تازه تعریفی بهتر از خودت پیدا میکنی؛ در این مسیر پر پیچ و خم زندگی، همراهانی همدل داری که به رشد تو ضریب می دهند، گاهی از حرکت می ایستی و خسته میشوی؛ آنها وجودت را روشن می کنند، گاهی تو دستشان را میگیری و گاه برعکس، اینجا همان خود واقعی آنقدر حل می شود که دیگر من و تو نداریم و اینجا درست نقطه ای ست که می شود در زمان ندای هل من ناصر ینصرنی، کور سوی امیدی به جواب داشت.

این جمع شدن یعنی تشکیلات و این به دنبال حق بودن یعنی شناخت واقعی زندگی.

به قول رهبر معظم انقلاب مدظله العالی: «هیچ کاری در دنیا بدون تشکیلات، پیش نمی رود.»

«فریاد اناالحق ره منصور بود/ یا رب مددی! که فکر راهی بکنیم»



سخن سر دایسر

___فرناز اینانلو / کارشناسی مهندسی نساجی ___



یا حق..

تا به اینجا که آمده ای تلاش و

پشتکارت را اثبات کرده ای. میتوانی بگویی دانشجوی

دانشگاه امیرکبیری... مادر تمام دانشگاه های صنعتی کشور.

اما خودت بهتر میدانی که قبولی دانشگاه نقطه پایان نیست. بلکه شروعی

است متفاوت، شروع فصلی جدید در راه دراز زندگی که پیش رو داری.

درست در طلایی ترین نقطه عمر ایستاده ای و بالاپایین های راه در انتظارت هستند.

دیگر نه فقط تست، درس و امتحان، بلکه مسئولیتهای بزرگتری را باید به دوش بکشی!

و البته که در این راه تنها نیستی؛ شاید کرونا کنار هم بودن حقیقی را از ما گرفته اما، زندگی جدیدی در دنیای مجازی برایمان ساخته است.

ما در اینجا، در دفتر خواهران انجمن اسلامی دانشجویان، در کنار هم جمع شده ایم تادر این مسیر کنار هم باشیم. باهم تلاش کنیم و در راه هدفمان پیش برویم و بسازیم خاطره های در کنار هم بودنمان، در کنار هم دوییدن و در کنار هم خندیدنمان.

حتی لحظات غمگین شدن را کنار هم هستیم...قرار است کنار هم برای تحقق آرمان هایمان

تلاش کنیم، بحث کنیم، بنویسیم، بخوانیم و زندگی کنیم!

... تشکیلات جای عاشقان است، عاشقان تلاش و مبارزه ...

اینجا کنار هم میتوانیم به فکر سیاست ها باشیم، عقیده و باورهایمان را بهبود ببخشیم

وفکری برای فرهنگ بکنیم، دغدغه ها و مشکلات زنان را پیگیری کنیم و به فکر

ساختن آینده کشورمان باشیم..

همتم بدرقه را کن ای طایر قدس

که دراز است ره مقصد و من نو سفرم

راز ناگفته دانشکده ها

نکته جذاب دانشکده خودتو بدون!

— زینب مهدوی / کارشناسی مهندسی نساجی —

معادن

بسیار مناسب برای گرفتن عکس هنری از سردر اصلی می باشد. داخلش هم در هر طبقه ویتترین های حاوی انواع سنگ و کانی قرار دارد که هر دانشجویی را با این رشته آشنا می کند.

پلیمر

دوست و همسایه، عمران! بر سر منطقه مرزی، پارک، نزاع دارند. تاریخچه درگیری برمی گردد به بعد از فروپاشی شوروی سابق. از جاذبه های داخلی دانشکده می توان به سوسک ها اشاره کرد؛ که لذت تجربه مشاهده یک اکوسیستم طبیعی را، از نزدیک برای دانشجویان مهیا می سازد.

دریا

مقطع کارشناسی این رشته در ساختمان ابوریحان قرار دارد. اگر دانشجوی این رشته نباشید، زودتر از دانشکده با امکانات آن آشنا می شوید. یک بالکن بزرگ جلوی در ورودی دارند؛ موسوم به عرشه

مواد و متالورژی

این دانشکده نیز از وجود یک عدد یعقوب برقی برخوردار است. همچنین از جمله دانشکده هایی که به ساختمان جدید منتقل شده است. البته معتقد به جمله: مسئولین باید در کنار مردم باشند. زیرا، اساتید و دانشجویان از یک آسانسور استفاده می کنند.

عمران

جزو اولین دانشکده هایی که با ورود از در حافظ آن را خواهید دید. دو تا ساختمان دارد، از عجایبه این دانشکده وجود پلی بین طبقه ۴ ساختمان جدید به طبقه ۳ ساختمان قدیم است.

هوافضا

به دانشکده بچه مهندس، جواد جواد، خوش آمدید! یک دانشکده لاکچری که به گفته مهندسین هوافضا یکی از فاکتورهای موفقیت آن در این عرصه، وجود لیوان به همراه آب سرد کن است.

ریاضی و علوم کامپیوتر

یک دانشکده کوچک و جمع و جور است. نامی بر آن نهادند بس زیبا و تاریخی، خوارزمی، همان که فخر ریاضیات این دیار است. اما گویا سیستم های کامپیوتر یادگار زمان همان عزیز از دست رفته است. یکی از عقاید استاد این بود: به دانشجو رو ندهید، همانا پر رو می شوند. چنین شد که آسانسور فقط مخصوص اساتید و دانشجویان یکم از پله بالا بیاید بینیم چند مرده حلاجند!!

کامپیوتر

اینجا، لابی برای نشستن نداریم، در عوض یک سایت وجود دارد که می توانیم از آن به عنوان لابی استفاده کنیم.

نفت

اینکه یک مزیت حساب میشود یا یک نقص به انتخاب خودتان، فقط همین قدر بدانید طبقه بالای سلف خواهران است. البته جلوی در ورودی زده: سلف برادران، و اوایل باعث گمراهی بچه های تازه وارد گرسنه بعد از کلاس دوم می شود!!

نساجی

دارای لابی زیبا، جادار، مطمئن!! همچنین آسانسور های بزرگ را نیز به لابی علاوه کنید. اما شما را بر حذر می دارم از آسانسور فرد سمت چپ... خطر سقوط!!!

پزشکی

دارای پشت بام با ویو ابدی، به طوری که تمام دانشگاه را زیر پایتان می بینید. دو تا سالن مطالعه دارد و آزمایشگاه هایی که در ساختمان قدیمی مانده است. قابل شما را ندارد، متری ۳۰۰ تومان زیر قیمت!

فیزیک و انرژی

دیوار به دیوار دانشکده صنایع وساکن کوچه سعید است. دوتا آسانسور کوچک دارد که گاهی پاسخگوی تعداد دانشجویان نیست. اما با اینکه کمد هایش نیز کفاف نمیدهد و باید اشتراکی از آنها استفاده کرد؛ این مزیت را دارد که برعکس دانشکده های دیگر نیازی به پرداخت پول برای استفاده از آن ها نیست. خبر خوب این که یک بخش از کتاب خانه دخترها دارای فرش است و زمان هایی که وقت و انرژی رفتن تا مسجد یا ققنوس را ندارید؛ میتوانید آنجا استراحت کنید.

صنایع

طبق آخرین اخبار به دست آمده، پس از سالیان، در دانشکده تعمیر شده و دیگر شاهد نفوذ بادهای سرد به داخل ساختمان نیستیم.

زندگی به وسعت یک خوابگاه

مروری کوتاه بر یک روز زندگی دانشجوی خوابگاهی

___ فاطمه سادات مرتضوی /
کارشناسی مهندسی پزشکی ___

روز سختی بود.. باورم همیشه کلاس هام بالاخر تموم شده. خوبیش اینه که خوابگاه از دانشگاه دور نیست!!

وقتی که رسیدم نگهبان خوابگاه که جای پدر بزرگ برای همه ی ما رو داشت با نگرانی از من پرسید خوبی؟ لبخندی زدم و گفتم: یکم مریضم ولی خوبم ممنون :) از حیاط رد شدم و به سمت آسانسور حرکت کردم ولی باز هم آسانسور در حال تعمیر بود، غرولند کنان از پله ها بالا آمدم. در اتاق را که باز کردم هیچ کس نبود، دلم خیلی گرفت، حتی نتوانستم لباس هایم را عوض کنم... تنها کاری که کردم این بود که با لباس روی تخت افتادم...

هوا خیلی سرد بود و خسته بودم، پتو رو کشیدم و به محض اینکه چشم هایم را بستم یاد حرف هایی افتادم که همه میگفتند، اون زمانی که تهران رفتن رو به درس خواندن در شهر خودم ترجیح دادم، خاله ام به من می گفت میدونی اگه یک وقت مریض بشی چی میشه؟ اون موقع متوجه میشی که چقدر تنها هستی و هیچ کس نیست که بهت رسیدگی کنه. اون موقع معنی غربت رو میفهمی...

شاید راست میگفتند... اشک توی چشمم جمع شد. همون موقع تلفنم زنگ خورد با بی حوصلگی به صفحه گوشیم نگاه انداختم. مامانم بود. چون میترسیدم نگران بشه جواب دادم. از صدای گرفته ام فهمید که مریض شدم ولی سعی کردم بغضم رو پنهان کنم...

نمیدونم کی و چجوری ولی خوابم برد. با صدای بچه ها بیدار شدم و هنوز چشمم رو باز نکرده بودم. سعی میکردند آروم حرف بزنند که بیدار نشم...

سعی کردم بلند بشم که سرم گیج رفت. زهرا



سریع اومدم و رو پیشونیم دست گذاشت و گفت اوه تو که تب داری ولی داری میلرزی باید بری دکتر، ولی خب ماشین که نداریم.. بعد نگاهی به ساعتش انداخت و گفت ساعت هم یازده شده و دیگه اگه ماشین هم داشتیم نمیتوانستیم بریم..

دوباره بهم نگاه کرد و گفت: یک راه بیشتر نداری! امشب رو به ما اعتماد کن:) خب اول برای شروع بزار بهت یک لیوان دمنوش آویشن بدم، مریم هم داره برات تو آشپزخانه یک سوپ جذاب درست میکنه!!!

دهنمو باز کردم که بگم نه نمیخوام که سارا گفت: امشب ما تصمیم میگیریم نه تو، خندیدم و گفتم چشم قربان.

زمانی نگذشته بود که مریم با یک ظرف سوپ که بوش کل اتاق رو برداشته بود وارد شد، تازه فهمیدم که چقدر گرسنه ام! مجبورم کردن که همه کاسه رو بخورم تا جایی که واقعا دیگه نمیتونستم هیچی بخورم...

تازه به خودم اومدم و گفتم: وای فردا میانترم برنامه نویسی داریم!! من که هیچی بلد نیستم.

زهرا گفت: اصلا نترس، میانترم مباحثش زیاد نیست. اکثرا هم حفظی منم همش رو خلاصه کردم.

کل شب همه بیدار موندن که به من برنامه نویسی یاد بدن و مواظب باشن که تب نکنم. صبح همه با هم رفتیم سر جلسه امتحان، نمی تونم بگم بهترین امتحانی بود که دادم ولی سوالات رو که میدیدم به یاد همه نکاتی افتادم که سعی کردن با شوخی و خنده به من یاد بدن. وقتی که از جلسه بیرون اومدم، دیدم که همه منتظر من ایستادند و بیشتر از این که نگران امتحان خودشون باشن نگران امتحان من بودن...

حالا قطعاً میتونم بگم: درسته که از خانواده و دوستانم دور هستم ولی اینجا خانواده جدیدی دارم که شاید خیلی با هم فرق داشته باشیم ولی مثل خانواده هوای همدیگه رو داریم و توی سختی ها کنار هم هستیم و نمی گذاریم کسی احساس تنهایی و غربت کند. حالا فهمیدم چرا میگن یک خوابگاهی دو وطن و دو خانواده داره و هر جا که باشه دلتنگ وطن دیگش میشه!

تو یک قهرمانی

___ سیده مریم عطری / کارشناسی مهندسی عمران ___

دفترش را باز میکند،

تصمیم گرفته بود تمام اتفاقات ریز و درشت سال کنکورش را در این دفتر بنویسد...

عجب سالی بود...

اوایل سال همه چیز داشت خوب پیش میرفت و تنها دغدغه اش شاید تراز آزمون تستی بود و بس!

ورق میزند، به تاریخ جمعه ۱۳ دی ۹۸

نوشته است: «باورم نمیشه، الان هم دارم با داستانی لرزان می نویسم... با صدای گریه مادرم از خواب بیدار شدم خدا خدا می کردم کسی از دنیا نرفته باشه... چشمم به زیر نویس شبکه خبر افتاد... سردار سپهبد قاسم سلیمانی آسمانی شد، برای اولین بار حس می کردم عزیزی از نزدیک ترین کسانم رو از دست دادم انگار توی دلم خالی شد...»

آن روزها را خوب به یاد می آورد همه کار می توانست بکند الا تمرکز و به همه چیز میتوانست پردازد الا درس. هرطور شد خودش را جمع و جور کرد به کمک دوستی، مشاور و...

و باز هم ورق زد... اینبار اما نامی و بررسی به چشم می خورد «کرونا»...

شروع اپیدمی کرونا همانا و تعطیلی مدارس همانا، در این میان همه در تکاپو بودند که هر طوری شده صدا و تصویر معلم های دلسوز را به گوش دانش آموزهای خوابیده روی تخت برسانند!

و اینجا بود که صفحه جدیدی نه تنها درون دفترش بلکه در کل زندگی اش باز شد به نام «کلاس های آنلاین»، که معلوم هم نیست حالا حالا ها کی قرار است پرونده اش بسته بشود...

جونم از کلاس های آنلاین بگه براتون که گویا یک قانون نانوشته بود که اگر شما سر کلاس می بودی، معلم نبود؛ اگر معلم سر کلاس بود، شما نبود؛ و اگر هر دو سر کلاس بودید، صدا!! نبود!

چه سلام هایی که sghl تایپ شد و میکروفونایی که باز بود و آبرو هایی که ریخته شد و میکروفونایی که موقع سوال جواب دادن وصل نمی شد و ... خلاصه دیگر خودتان استادید!

از اول سال دل بسته بود به اردوهای مطالعاتی عید معروف به دوره طلایی اما کرونا آن را هم از اون گرفت...

البته می توان فرصت مطالعه عید را نسبت به سایر چیزهایی که کرونا از او گرفت ناچیز به حساب آورد... لذت در آغوش کشیدن دوستانش بعد از مدت ها سر امتحانات نهایی، لذت آب خوردن از آب سردکن های مدرسه با دستان خاکی بعد از والیبال، یک نفس عمیق بدون بخار کردن شیشه عینک و... کم کم به صفحات آخر دفتر می رسد، کم کم به غول مرحله آخر می رسد... کنکور. روز شماری که یک ماه به عقب افتاد و تا یک هفته مانده بود به کنکور هنوز نمیداست کی باید تمام اعدادش خط بخورد و تمام بشود. در جایی نوشته بود: «خودم هم با خودم تکلیفم مشخص نیست از یه طرف دیگه خسته شدم میخوام هر چی زود تر کنکور بدم تموم شه ولی از یه طرف دیگه هم شرایط خیلی خطرناکه اگر من کرونا بگیرم و بعد خانوادم بگیرن چی؟...» این بار با کمی روان پریشان اما باز توانست روی پای خودش بایستد و در برابر سختی ها تسلیم نشد، الان هم جواب زحمت هاش رو گرفت... الان اون یک ورودی ۹۹ دانشگاه صنعتی امیرکبیر هست...

الان اون داره این متن رو میخونه...

خداقوت تو یک قهرمانی ...

و این تازه شروع ماجراست و اینبار ما هم کنارت هستیم....

چه در سال گذشته بر سر یک ورودی ۹۹ آمده!



–سلام استاد، ممنون میشویم کمی خودتان را معرفی کنید.

من کارشناسی و کارشناسی ارشد ریاضی کاربردی را در امیرکبیر گذراندم و پس از اپلای، فوق لیسانس و دکترای کامپیوتر(در سال ۹۶) را از آمریکا گرفتم برای پسا دکتر اهم به امیرکبیر برگشتم و در حال حاضر معاون سازمان فناوری اطلاعات شهرداری هستم. مجموعه ای ما درآن هستیم یک مجموعه تخصصی داده است و بیش از ۱۲ پروژه دانشگاهی در آن تعریف کردیم که ۴ مورد مربوط به دانشگاه امیرکبیر می شود.

با حوزه های مختلف دانشگاهی از جمله آمار و کامپیوتر و کامپیوتر ساینس و صنایع همکاری میکنیم که این همکاری صرفا پژوهشی نیست بلکه کاری است که تاثیر مستقیم در مدیریت شهری دارد، از طرفی از دانش دانشجویان هم استفاده میشود. که این تجربه ی موفقی بوده و تاثیرات خیلی خوبی داشته است هم بچه ها از مسائل واقعی شهر مطلع میشوند و سعی میکنند آنها را حل کنند، در واقع پروژه های کاربردی واقعی را به دست بگیرند و این همکاری هم تاثیر مستقیم در زندگی شهروندان دارد. هم ارتباط صنعت و دانشگاه به صورت واقعی برقرار میشود و صنعت از دانش و تجربه ی دانشگاه استفاده میکند چون بیشتر کار ما در حوزه دیتا و مسائل کاملا به روز هست و از مجموعه شرکت ها نمیتوانیم نتایج خوبی را بدست بیاوریم و سراغ دانشگاه ها و اساتید جوان و خوش فکر و با تجربه و با سواد و البته تیم های دانشجویان قوی(شامل بچه های دکترای هوش مصنوعی)رفتیم و سعی کردیم از دانش آنها استفاده کنیم.که این یکسال و چند ماه همکاری نتایج خیلی خوبی هم داشته است.



مصاحبه

– استاد چه سالی دانشجوی دانشگاه امیرکبیر و چه سالی فارغ التحصیل شدید؟

من ورودی ۷۸ ریاضی کاربردی امیر کبیر هستم که ۸۶ ارشدم را از دانشکده ریاضی و علوم کامپیوتر گرفتم، ۴-۵ سالی هم در دانشگاه تدریس کردم و بعد به آمریکا رفتم و طی شش سال یک فوق لیسانس و یک دکترا گرفتم و به ایران برگشتم.

موفقیت راه پر پیچ و خمی است که برای رسیدن به آن در تک تک دقایق زندگی باید تلاش کرد و ناامیدی را در آن راه نداد. قطعا طعم شیرین پیروزی بدون تحمل سختی های قبل آن میسر نیست. دکتر سارا بوبور، دانش آموخته و استاد دانشگاه صنعتی امیرکبیر، از زندگی تحصیلی خود برای ما می گویند.

— عاطفه جلیلی / کارشناسی مهندسی متالورژی —

– دانشجوی ایده آل از نظر شما چه دانشجویی هست؟

دانشجویی که هم دغدغه ی پیشرفت کشورش را داشته باشد و هم اینکه دانشجو باید دانش را بجوید، پس باید در درس خود موفق باشد ولی این باعث نشود که صرفا فقط درس بخواند، در واقع من فکر میکنم از اول نگاه آدم بهتر است به سمتی باشد که دانشی را فراگیرد که بعدا بتواند جایی در کشور مشکلی را حل کند. من خودم سعی کردم آنچه که یاد میگیرم را جهت دار کنم. فکر میکنم دانشجوی ایده آل باید دید تحلیلی داشته باشد و دائم به این فکر باشد که دانشش بتواند مشکلی را حل کند و فقط دنبال مطلب گرایی صرف و معدل اگر باشیم خیلی قابل استفاده عملی نیست.

– ممنون میشویم کمی هم راجع به بنیاد نخبگان که عضوش هستید برای ما صحبت بکنید.

ما یک شرکتی با کمک بنیاد نخبگان زیر مجموعه دانشگاه شریف تاسیس کردیم، با کمک تعدادی از بچه های دانشکده، یک اپلیکیشن برای سامان دهی وضعیت نابسامان توزیع محصولات کشاورزی طراحی کردیم که تجربه ی خیلی خوبی بود.یک مجموعه ی دانش بنیان زیر مجموعه مرکز فناوری دانشگاه شریف داریم.

– =دانشگاه امیرکبیر چقدر در رسیدن شما به این نقطه ای که الان هستید تاثیر داشته است؟

بیشتر فضای دانشگاه موثر بوده، البته اساتید هم حتما بودند. دکتر دهقان استاد خودم بودند که خیلی هم تشویق کردند که برای ادامه تحصیل به خارج از کشور بروم و همیشه هم میگفتند: «میدونم تو از بچه هایی هستی که بری، باز برمیگردی....» بالاخره بی تاثیر نبودند و قطعا تاثیرات زیادی داشتند. من به دانشگاه هم یک حس خاصی داشتم و کلا دانشگاه امیرکبیر را خیلی دوست دارم و فضای آن را خیلی میپسندم. با اینکه امکان رفتن برایم بود ولی امیرکبیر را بیشتر میپسندم، فضای صمیمی و دوستانه ای دارد که به روحیات من نزدیک تراست و وقتی با بچه های امیرکبیر کار میکنم حس بهتری دارم.

– چرا امیرکبیر را برای تدریس انتخاب کردید؟

من فضای امیرکبیر را دوست دارم. فضای دانشجویی گرم و صمیمی و دوستانه و خوبی دارد و خب به هرحال با اینجا هم بیشتر آشنا بودم و با اینکه شریف هم پیشنهاد داشتم ولی احساس کردم روحیاتم بیشتر به اینجا میخورد.

– سطح علمی دانشگاه امیرکبیر رو به نسبت دیگر دانشگاه ها چطور میبینید؟ از تدریس در اینجا راضی هستید؟

سطح علمی دانشگاه واقعا خوبه، من با دانشگاه های آمریکا هم مقایسه میکنم واقعا چیزی کم نداریم و در بسیاری از موارد پیشرو هم هستیم. فقط فضای معدل و اپلای کردن در بچه ها زیاد است. این واقعا برای استاد کمی آزار دهنده است، مخصوصا برای کسی که مطمئن است میخواهد به کشورش کمک کند؛ چون میبیند بچه ها به نمره اهمیت بیشتری میدهند تا یادگیری... این فضا به نسبت زمان ما بین بچه ها زیاد شده است که برای من جذاب نیست. البته هستند دانشجویانی که دنبال یادگیری اند ولی خب کم اند. بیشتر دانشجویان دنبال نمره هستند که حس میکنم دلیل آن هم بیشتر اپلای باشد. این ها به فضای علمی دانشگاه ضربه میزند و انگیزه را از استاد میگیرد. من خودم با اینکه معدل خوبی داشتم ولی اصلا دنبال نمره نبودم و یادگیری برایم مهمتر بود. امیدوارم کشور به سمتی برود که از مدرک گرایی در آمده و به سمتی برویم که اگر سرکلاسی مینشینیم برایمان مهم باشد که چه چیزی یاد میگیریم و چقدر میتوانیم دانشمان را به کار ببریم.

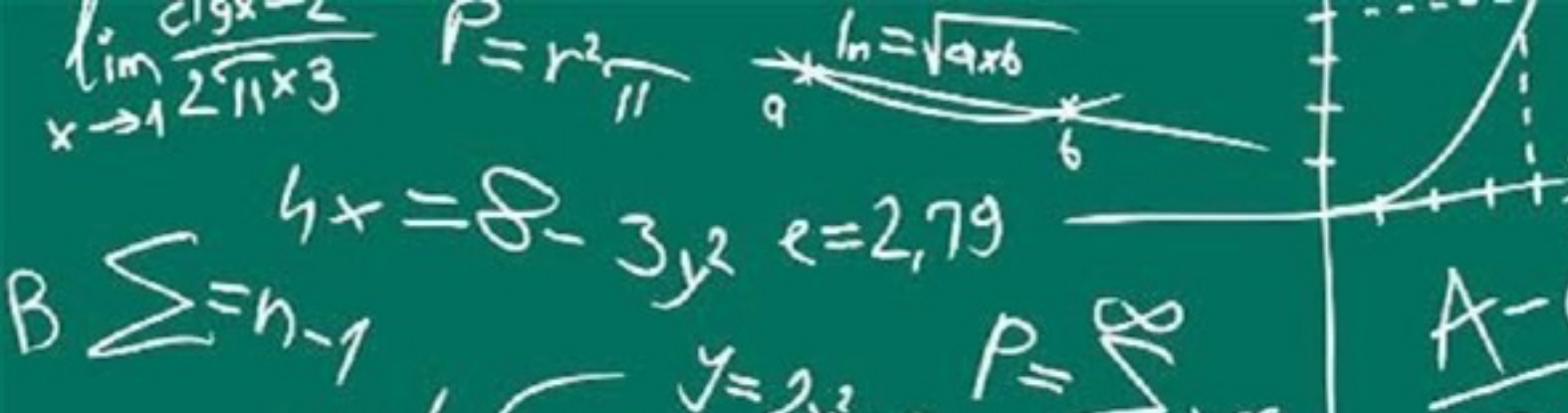
– پیشنهادتان برای کسی که تازه وارد دانشگاه امیرکبیر شده است، چیست؟

به نظرم باید دوران لیسانس را بشدت جدی بگیرد، اتفاقا دورانی هست که تمرکز افراد کمتر هست و بلا تکلیفی دارد چون از محیط مدرسه وارد دانشگاه شده و شاید خیلی درسها را جدی نگیرد و این میتواند تا آخر عمرش بر همه ی موفقیتهای بعدی او تاثیر میگذارد. این دوران مهمترین دوره ی تحصیلات تکمیلی هست و پایه است؛ من اگر برمیشتم به ۲۰ سال پیش سعی میکردم این دوران را خیلی بیشتر جدی بگیرم و درسها را عمقی تر و مفهومی تر بخوانم.

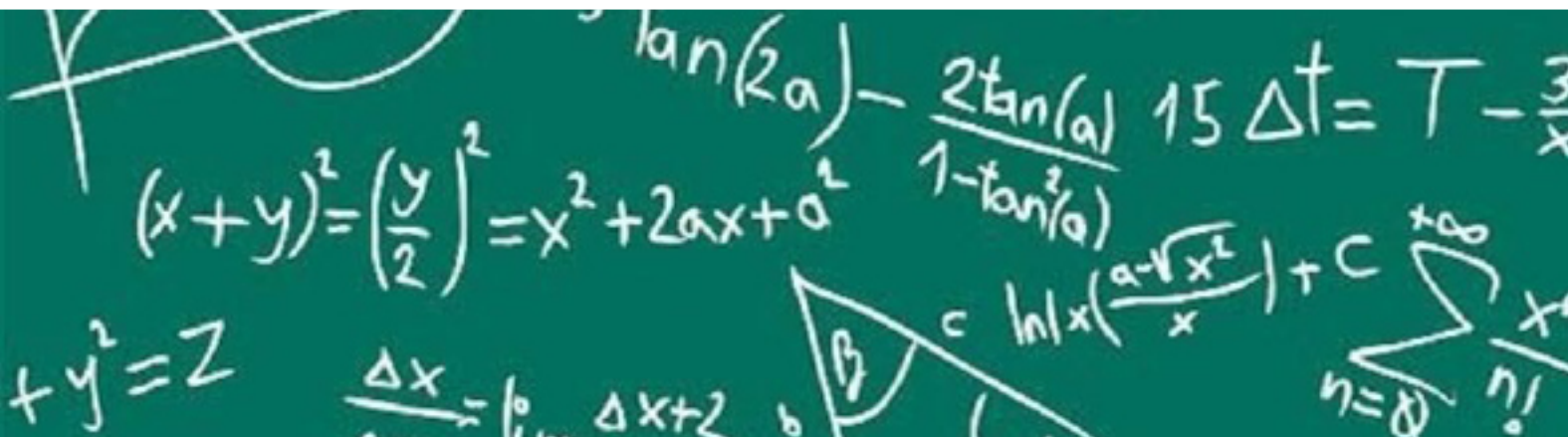
– اگر صحبت یا نظری دارید ممنون میشم در ادامه به ما بگید..

برای همه ی ورودی های جدید آرزوی موفقیت میکنم.

–ممنون بابت وقتی که گذاشتید.



انتگرال و در دسرها !



_____ مظہرہ شکر الہی / کارشناسی ریاضیات و کاربردها _____

اما یه توصیه خیلی دوستانه براتون دارم و اون هم اینکه منتظر نباشین کسی بیاد و یادتون بده. خودتون برید دنبالش. (از سال بالایی ها و تو اینترنت و ...) البته فکر کنم اوضاع برای شما بهتر باشه. بالاخره ما به عنوان اولین نمونه های آزمایشگاهی راه رو براتون یه مقدار باز کردیم و کارتون رو راحت تر. که قائدتا شما هم همین نقش رو برای سال بعدی ها دارید و بعدی ها هم برای بعدی هاشون و ... تا باشد که بالاخره درست بشه و همون اول برای ورودی ها کلاسی انتگرال برگزار بشه، یا اینکه دوباره انتگرال رو به آغوش دبیرستان برگردون! مثلاً یکی از شانس هایی که آوردین و نسبت به ما وضعتون بهتره اینه که شما به جای اینکه سرگردون دنبال جایی برای یاد گرفتن انتگرال باشید، حداقلش استادا میدونن بلد نیستین و به احتمال زیاد خودشون رو آماده کردن. از کمبودهای ما و شما نسبت به درس ها بخوام چندتای دیگه هم نام ببرم، میشه در درس شیرین ریاضی ۲ به معادله هذلولی و معادله صفحه در فضا اشاره کرد. که در حالی که جفتش رو نخوندیم، استفاده ترکیبی ازشون رو بهمون یاد میدن؛ ولی نگرانшон نباشید اینایی که گفتم خیلی هم سخت نیستن و اگر پیگیر باشید حتما حتما همه اش رو یاد میگیرید. اما باز هم اصلاً دست کم نگیرید و برید دنبالش و خیال خودتون رو راحت کنید. یه حس خوف و رجا داشته باشین دیگه. نه خیلی بترسید و نه بزنیید به بی خیالی. (با آرزوی موفقیت ::)

احتمالا معلمای شما هم توی دوازدهم بهتون گفتن که نظام قدیمی ها یک سری چیزها داشتن که برای شما حذف شده و شما هم از اینکه بار درس ها و حجمشون برای کنکور کم شده، کلی خوشحالی کردین. نمیخوام ناامیدتون کنم ولی همین قدر بگم که خوشحالی ما پارسال از دماغمون دراومد، حالا مراقب باشید مال شما از بین نره و تا دیر نشده دست بجنبونین. با اینکه نخوندین، احتمالا تا حالا اسم **انتگرال** به گوشتون خورده باشه، اما باز هم احتمالا در حد همون اسم بدونید که چیه و به چه دردی میخوره. عرضم به حضورتون که اولین جاهایی که توش با انتگرال برخورد میکنین، همین ریاضی ۱ و فیزیک ۱ هست که ترم ۱ که الان باشه باهاشون سر و کار دارین. اصلا بذارین یکم از تجربیات خودمون براتون بگم: توی فیزیک ۱ مسئله بهمون میدادن و حل میکردیم. اما بعدش در کمال تعجب می‌دیدیم که راه حل های ما درست نبوده و باید اون ها رو با انتگرال حل میکردیم. در حالی که ما اصلا نمیدونستیم چی هست و چجوری محاسبه میشه. یا توی ریاضی ۱ استاد با فکر اینکه ما مقدمات انتگرال رو هم مثل حد و مشتق بلدیم، شروع میکردن به سطح بالاتر اون رو گفتن. و اون موقع بود که بعد از تعجب ما از مارهایی که روی تخته کشیده میشدن و جلوشون پر میشد، این استاتید بودن که تعجب میکردن و آموزش و پرورش و کسانی که این حذفیات رو رقم زدن، مورد عنایت قرار میدادن. اینکه انتگرال چقدر مهمه و شما تا آخر و توی همه چیز کلی ازش استفاده میکنین بماند،



بچه مهندس

1d

بعضی از اساتید بعد از شروع کلاس میکروفن همه رو باز میکنند تا اگر احیانا بیدار بودید سوال پرسید!
و چه آبروهایی که تو این راه از دست نرفته!
مراقب صدا و تصویرتون باشید جان من
#زخم_خورده

283

1718

7,398



کرونا کبیر

1d

اگر تو کلاس دیدید استاد جان هی درس میدن و شما هی متوجه نمیشید، اصلاً نترسید!

این مشکل شما نیست اصلاً، سواتونو راحت بپرسید و یه کلاس رو نجات بدید ((

معمولاً همه منتظرین بقیه اون سوالو بپرسه :/

1,661

2,710

8,137



TA خان

20

از قشنگی های دانشگاه خوردن قورمه سبزی دقفا بعد از کوتاه کردن چمن های دانشگاه بود که کرونا اونو هم از ما گرفت:))



11

11



Retweeted ققنوسی



صبوری نشین

2d

حتما موقع انتخاب واحد حواستون به زمان امتحانات هم باشه.
یه وقت میبینید یه روز باید صبح با امتحان فیزیک بیدار بشید، ظهر زبان
عمومی رو به جای ناهار صرف کنید و عصرشم با یه درس دانشکده ای روانه
خونه بشید!

Q 2

173

16



هر امیرکبیری باید بدونه!

آشنایی با اصطلاحات رایج و غیر رایج دانشگاه امیرکبیر

انتخاب واحد

الان رو نگاه نکنید که ۱۵ واحد خوشگل تو پورتال براتون قرار داده شده. انتخاب واحد یک بازه زمانی دو ساعته است که تنها دو دقیقه اول آن رسمیت دارد چرا که بعد از اون تمام ظرفیت های کلاس های مورد نظرتان پر خواهد شد و شما یا اون ترم اون درس با استاد مورد نظرتون رو از دست میدید. (اینترنت قوی فراموش نشه!)



سلام!

با اینکه فعلا دانشگاه رفتن مجازی شده ولی به هر حال شما دیگه یه دانشجو و از اون مهم تر یه امیرکبیری هستید پس باید مثل هر دانشجو امیرکبیری دیگه با اصطلاح های دانشجویی آشنا باشید.

میم

خانم مهندس! بذار یه حقیقتی رو بهت بگم، شما دانشجو رشته «مهندسی فلان» نیستید بلکه شما دانشجوی «میم فلان» هستید! نه بیشتر نه کمتر!



یعقوب برقی

امیرکبیری ها به این وسایل برقی که برای فروش خوردنیه یعقوب برقی میگوین. (چرا؟!)

چون از جمله مهم ترین رکن های دانشگاه دکه آقا یعقوب هستش که هر چی بخوای دارند.



کتب درسی

فرزندانه بدانید و آگاه باشید از جمله تفاوت های مدرسه و دانشگاه مخصوصا تو چند ترم اول اینه که کتاب نداریم، فقط جزوه! هر کسی اول ترم با خودش میگه «برم کتاب های همه دروس رو بگیرم که بخونم و تمرین اضافه حل کنم و... کاری نداره...» آخرش هم می بینیم شب امتحان جزوه استاد رو هم مرور نکرده چه برسه تمرین اضافه :)



کافه

آکوارיום: رو به روی دانشکده ی پلیمر واقع است. دارای یک منوی ثابت با تنوع نسبتا خوب. کافه رستورانیست که می توانید برای نهار یا استراحت بین دو کلاس بروید و یه خوردنی یا نوشیدنی مورد نظرتون رو میل کنید.

نمی توان گفت همه چیز تمام است ولی سال به سال درحال بهتر شدن است.



پاس شدن

(می دونم می دونید ولی جهت خالی نبودن عریضه)

در صورت کسب نمره بالا ۱۰ شما موفق به پاس کردن درس مربوطه شدید. لابد براتون نمره پایین ۱۰ غیر قابل تصوره اما یکم بگذره احتمالا خدایی نکرده نظرتون عوض بشه.

مشروط شدن

که با افتادن درس فرق داره! اگر معدل یک ترم شما پایین تر از ۱۲ بشه شما اون ترم رو مشروط می شوید.



آز

مخفف «آزمایشگاه». بعضی دروس واحد عملی هم دارند و به واحد های عملی آزمایشگاه میگوین. مثلا آزمایشگاه فیزیک ۱ (البته که الان تو دوران کرونایی عملی و غیر عملی نداریم و همش مجازی)



ققنوس

انتهای کوچه ی تشکلهای کنار دانشکده شیمی. ساختمان سه طبقه شامل استراحتگاه (بهتر بگم خوابگاه) مجهز به بالش و پتو، کتابخانه ای با سکوت مطلق (صرفا جهت مطالعه، کتاب نداره) و کارگاه های آموزش کار های هنری (مثل خیاطی، چرم دوزی و...) در کل پک رفاهی بسیار خوبی برای دختراست.



TA

مخفف «Teacher Assistant» یا همون تدریسار.

معمولا دانشجویان سال بالایی هستند که تمارین درس مربوطه رو که استادها وقت نمی کنند رو براتون حل می کنند و گاهی از کلاس اصلی ضروری و مفید ترند.



BBB

مخفف BigBlueButton. بر عکس اسمش اصلا چیز پیچیده یا عجیب غریبی نیست. یکی از درگاه های برگزاری کلاس های مجازی واقع در courses.



یعقوب

مکانیست کوچک (بسیار کوچک) جهت برطرف کردن انتظارات معده دانشجو بین دوکلاس و گاهی صف های طولی جلوی دکه ایشان رؤیت شده. هر چیزی بخواهید به احتمال ۹۰ درصد دارند. خارج از این حالت یا توقعتان دانشجویی نیست یا تمام شده :)





اندر احوالات کلاس مجازی

___ زینب مبصر / کارشناسی مهندسی عمران ___

سلام!

خب همین که داری حرفای منو می خونی یعنی کلییی کلی سختی رو با موفقیت پشت سر گذاشتی!! قبل از دوران کرونا وقتی که یه دانشجوی جدید به قولی اندک ترم وارد دانشگاه میشد باید دنبال کلاسش تو دانشگاه می گشت اصلا شناسه دانشجویهای ترم یکی این بود که گوشی بدست هی جلو می رفتند هی برمی گشتند عقب دنبال مسیر. یک تعداد هم که زرنگ تر بودند از سال بالاییا می پرسیدند! اما این روزا باید تو دنیای مجازی دنبال کلاسشون بگردند و خب اینجا سال بالایی نیست که بخوان ازش کمک بگیرند !! حالا من اینجا تا قبل اینکه کلاستون دیر بشه! بهتون بگم کجا باید برید و چیکار باید بکنید تا راحت کلاساتون پیدا کنید و با یه لیوان چای! بشینید پای صحبتای استاد جان :) خب اول با سامانه های دانشگاه شروع کنیم دانشگاه ما ماشااالله تا دلتون بخواد سامانه داره ولی خب اصلا نگران نباشید هر جا با مشکلی رو به رو شدید به ما مراجعه کنید پاسخ تمامی سوالات شما در دست ماست (:))

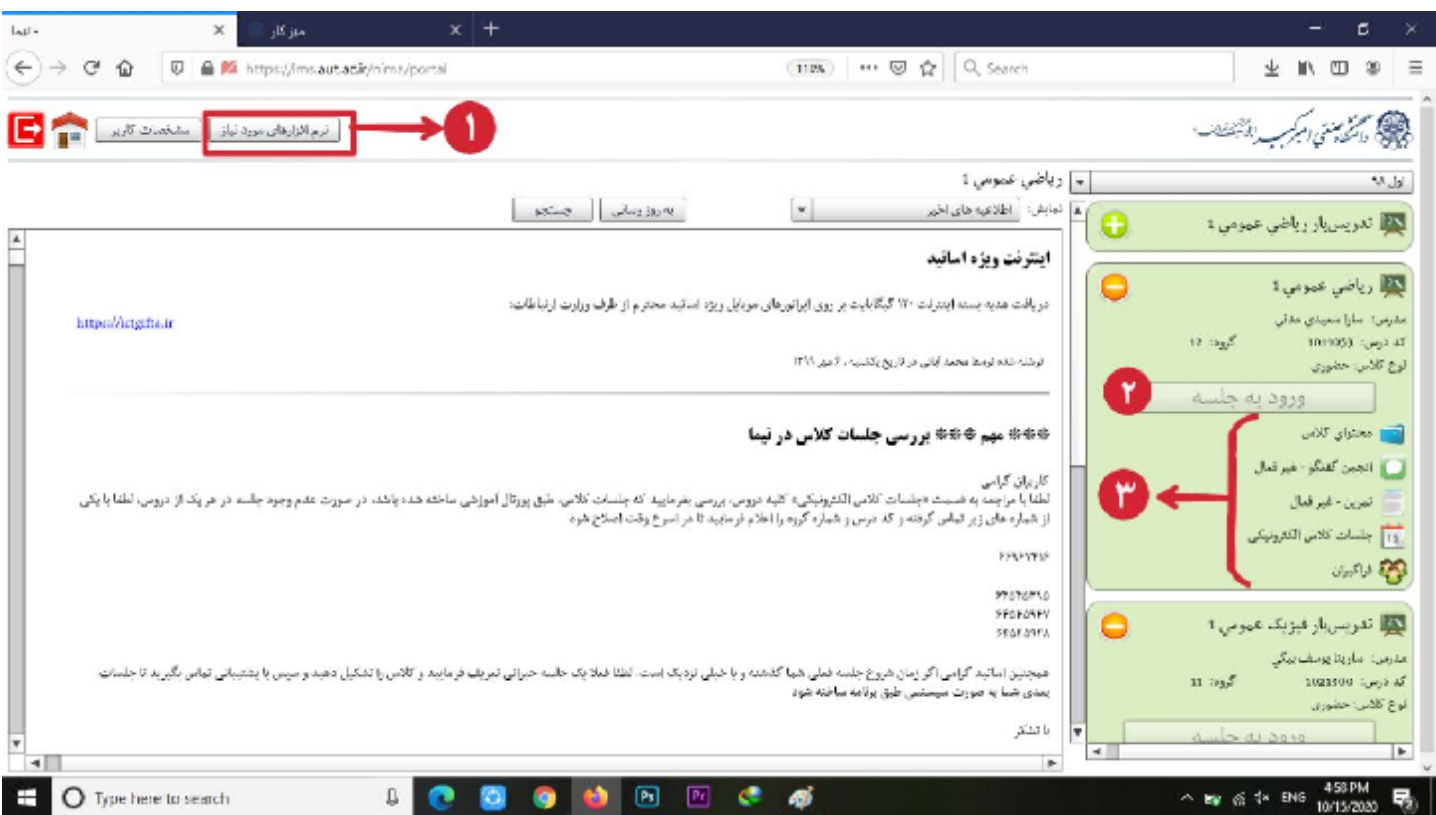
نشونتون بدم که بعدا نگید گشتم نبود نگرد نیست.

۲- این قسمت از نیم ساعت قبل تر ساعت کلاس هاتون فعال میشه فقط کافیه روش کلیک کنید تا وارد کلاس بشید. راستی یه سری تذکر هم بدم حواستون به روشن یا خاموش بودن وبکم و میکروفنتون باشه حتما چه شهید هایی که در این راه دادیم ما :) ۳- خب این قسمت چند تا بخش داره از بالا شروع کنیم. - محتوای کلاس: از این بخش هم می تونید فایل پی دی اف یا وردی که استاد اپلود میکنه رو مشاهده کنید و هم فایل ضبط شده کلاس هارو داشته باشید. - انجمن گفت و گو و تمرین : معمولا غیر فعاله هستند و تمرین ها معمولا جای دیگه ای بارگذاری میشند که بهش می رسیم و انجمن گفت و گو هم برای صحبت کردن استفاده میشه که معمولا به تلگرام یا واتساپ منتقل میشه و از نیما استفاده نمیشه. - از قسمت فراگیران هم اسم و ایمیل تمام کسانی که این درس رو با شما اخذ کردند رو می تونید ببینید

۱.ال ام اس ملقب به جناب نیما به ادرس lms.aut.ac

خب بیش تر کلاس هامون اینجا برگزار میشه و یه اتفاق خوبی که میوفته اینه که فایل ضبط شده کلاس ها دقیقا بعد از تموم شدن کلاس قابل مشاهده هستند فقط یه مساله ای! اول اولش برای ورود به کلاس باید یه سری چیزا رو لب تابتون نصب کنید که خب وقتی وارد ادرس سایت بشید هم می توانید پیداشون بکنید. موارد مورد نیاز: ابتدا به مقداری فلش پلیر نیازمندید و برای هر بار ورود به سایت می بایست فلش پلیر خود را اجرا نموده و سپس وارد سایت شوید . برای اجرای کلاس های ضبط شده هم باید برنامه نیما را بر روی سیستم خویش نصب نموده که تو سایت هست. برای دانلود کردن فایل های کلاس ها و برنامه های مورد نیاز به عکس ها توجه فرمایید

موارد مشخص شده روی عکس:)) ۱- خب از اسمش این قسمت مشخصه فقط گفتم



راستی یه برنامه برای موبایل هاتون هم داره که برای شرکت در کلاس ها میشه ازش استفاده کرد. ۲. کورسز (courses) که مودل هم گفته میشه به ادرس courses.aut.ac.ir خب باید بگم که بیش تر یا تقریبا همه ی تمرینا اینجا گذاشته میشه و از طریق این سامانه امتحان ها هم برگزار می شوند. از قابلیت های دیگه هم بخوام براتون بگم اینه که برخی از اساتید لینک کلاس (big blue boten) رو اینجا قرار میدن که یک مدل برگزاری کلاس هست. به این صورت که باید وارد قسمت مربوط به اون درس و از طریق لینک وارد بشید. کلاس های این سامانه هم اگر استاد بخواد ضبط شده و بعد از چند روز در سامانه قرار می گیره. !!! توجه توجه حتما حتما چک کنید یه وقت میکروفن یا وبکمتون باز نباشه که سوتی ندید (:)) در مورد قسمت های مختلف کورسز اگه بخوام توضیح بدم: ۱- تقویم :حتما حتما هر روز این قسمت رو چک کنید که اگه کوییزی قراره برگزار بشه یا تمرینی قراره بفرسته خبر دار بشید. ۲- پیام ها: خیلی کارآمد نیست اما بعضی وقتا اساتید ازین قسمت اطلاع رسانی انجام میدهند.



خلاصه که روش های برگزاری کلاس زیاده برای اینکه راحت کلاستون رو پیدا کنید پیشنهاد من اینه همزمان توی هر دو سامانه ورود کنید اگر کلاستون توی نیما برگزار نشد حتما یه سری به کورسز بزنید اطلاعیه های هر دو سامانه رو هم با دقت مطالعه کنید.



sedaaa_aut



139
Posts

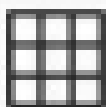
915
Followers

9
Following

| نشریه صدااا |

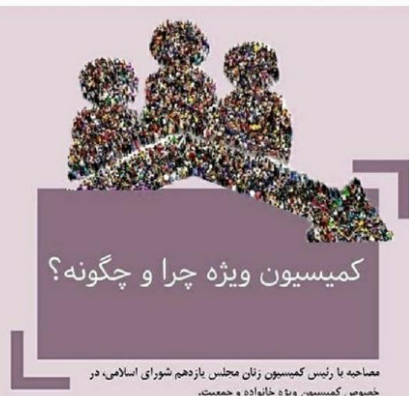
#صدای دختران دانشگاه امیرکبیر

اولین و تنها نشریه دانشجویی تخصصی حوزه زنان دانشگاه
امیرکبیر



صدای دختران امیرکبیر،

با این نگاه که مشکلات زنان نباید مانند برخی جریان ها دچار سیاسی بازی شود، کوشیده تا دغدغه های زنان را شفاف بیان کند و تا جایی که در توان دارد بر مدار حق و انصاف حرکت کند.
در این مسیر همراه ما باشید..



گوئی اینبار این زنان هستند که دستمایه ای برای انحراف افکار عمومی شده اند! زنانی با پسوند روسای با ظاهری قانعکار می آیند تا خبر فساد دو باره به مذاکره شما را با رنگ لباس و چهره شان کم رنگ کنند!

